

فهرست مطالب

۵	مقدمه
	رابطه جامعه‌شناسی و ادبیات
	روش انجام تحقیق
۱۰	فصل اول
۱۰	جامعه‌شناسی ادبیات
	جامعه‌شناسی ادبیات چیست؟
	جامعه و ادبیات
	تاریخچه‌ای از نظریه‌های جامعه‌شناسی
	مسیرهای پژوهش در جامعه‌شناسی ادبیات
۲۰	فصل دوم
۲۰	زندگی ظهیرالدین فاریابی
۲۱	زندگی ظهیرالدین فاریابی
۲۶	فصل سوم
۲۶	بازتاب عناصر اجتماعی در دیوان ظهیرالدین فاریابی
۲۷	نظام حکومتی - سیاسی

 / <
 & <
 لوازم حکمرانی
۳۲	اصطلاحات رایج در درگاه

 مشاغل حکومتی

 دیوان
 <
 مشاغل درگاهی
 & <

 دیوان استیفا
 مشاغل دیوان استیفا

..... ی ی ی ی	
..... ی ی	
..... ی	
..... انواع نامه‌ها	
..... ی	
..... آداب و ترفند ها	
.....	
..... های	
..... ی	
۷۶ نظام اجتماعی	
..... اقشار جامعه	
۸۱ اقوام مختلف	
..... اعتقادات و خرافه	
..... اعتقاد به ظهور دجال	
..... رفتارهاي اجتماعي	
..... رفتارهاي ناهنجار	
.....	
۹۴ پارچه ها و پوشاک	
..... انواع پارچه	
.....	
..... تن پوش ها	
.....	
۱۰۵ خوردنی ها	
..... ی	
.....	
..... ی	
۱۱۶ وسایل معیشت	
.....	
۱۲۶ وسایل روشنایی	
۱۲۷ گسترده‌ی ها	
۱۲۸ کانی ها و فلزات	
۱۳۴ طب و درمان	
..... بیماری‌ها، علایم و اصطلاحات	
..... دارو ها و خواص آنها	
۱۴۶ زیور آلات	
۱۴۹ معماری و شهرسازی	
۱۵۴ اماکن	
۱۵۶ وسایل حمل و نقل و سفر	

۱۵۷ واحدها
۱۶۰ بلاياى طبيعى
 حيوانات
 خوراك دام و طيور
 اصطلاحات مربوط به حيوانات
۱۷۷ درختها
۱۷۸ گلهها و گياهان
۱۸۵ نظام فرهنگى
۱۸۶ اعياد و ايام و مراسم آن
 يها تفريدى
 بازيگر
 ي اصطلاحات موسيقى
 آلات موسيقى
 ي
۲۰۱ امثال
 موجودات و حيوانات افسانه اى
۲۰۵ نظام اقتصادى
۲۰۶ نظام اقتصادى
۲۰۶ داد و ستد و اصطلاحات
۲۱۱ مشاغل
۲۱۴ نظام مذهبى
۲۱۵ ادیان مذاهب و فرق
 اماکن مذهبى
 آداب دينى
۲۲۱ نظام علمى - آموزشى

۲۲۶ علوم
 هندسه
 کلام

 کیمیا

۲۳۲ نتیجه گیری
۲۶۲ منابع و مأخذ

مقدمه

رابطه جامعه‌شناسی و ادبیات

رابطه میان جامعه‌شناسی و ادبیات از منظرهای گوناگونی قابل بررسی است. جامعه‌شناسی علمی است که در مورد جوامع انسانی بحث می‌کند. شکل‌گیری رشد و تحولات و از بین رفتن و منحل شدن و تغییرات و ادغام جوامع را بررسی می‌کند و به نتایج مشخصی می‌رسد. همچنین مقوله‌ای به نام فرهنگ را در جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد. این بررسی برای فهم تحولات اجتماعی امری ضروری به نظر می‌رسد. چون که رفتارهای انسانی در درک پدیده‌های اجتماعی موثر هستند. ادبیات هم که به عنوان بخشی از میراث فرهنگی یک جامعه محسوب می‌شود زمینه خوبی برای تحقیق است. زیرا از سویی به طور قطع می‌تواند فرهنگ یک جامعه را منتقل کند در این صورت کارکرد اولیه خود را از دست خواهد داد و به عنوان یک سند اجتماعی مورد بررسی است. یعنی در این جا محقق برای لذت ادبی متن را نمی‌خواند و فقط به عنوان میراثی کهن و ارزشمند که حاوی اطلاعات مفیدی در مورد زندگی اجتماعی افراد نوع حکومت سیاسی و رفتارهای مختلف اجتماعی و سیر تاریخی نهادهای اجتماعی موجود مثل آموزش و پرورش و خانواده و... است، با آن رفتار میکند. از سوی دیگر چون بخشی از ادبیات به صورت مکتوب است خود سند محکمی برای پیگیری تحولات اجتماعی محسوب

می شود. این استفاده از ادبیات البته در مورد رشته ای مثل تاریخ هم صدق می کند هر چند که در استنادات تاریخی منبع درجه یک حساب نمی شود.

همین ضرورت ها بود که باعث شد یک میان رشته به عنوان «جامعه شناسی ادبیات» بوجود بیاید. در جامعه شناسی ادبیات محقق علاوه بر این که کمی با اصول جامعه شناسی آشناست باید توانایی درک متون ادبی و تجزیه و تحلیل آن را داشته باشد. جامعه شناسی ادبیات در جامعه معاصر در پی درک تاثیر جامعه و مخاطب و تحولات در ایجاد آثار ادبی و تغییرات بوجود آمده در آن است. مثلا اگر یک نوع ادبی جدید با نام «وبلاگ نویسی» بوجود می آید محقق جامعه شناس ادبیات در پی یافتن تاثیرات جامعه بر این نوع است. از سویی به این هم توجه دارد که ادبیات چه تاثیری در جوامع دارد مثلا ممکن است یک رمان بخصوص یا یک نوع از آن یا رمان های یک نویسنده باعث بوجود آمدن یک حرکت اجتماعی شود که برای یافتن سرچشمه های آن باید به ادبیات رجوع کرد.

ولی می توان این سیر را بصورت تاریخی هم در نظر گرفت یعنی این که با استفاده از ادبیات یک جامعه به عنوان سند پی به تحولات اجتماعی، نمودهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی و عقاید و باورهای یک جامعه و از همه مهمتر سیر تاریخی آن پی برد. یعنی اجتماعیات را از ادبیات استخراج کرد و به نتیجه ای خاص از آن رسید. پس با این توضیحات می توان اجتماعیات در ادبیات را چنین توضیح داد: هر پدیده و نهاد و رخداد اجتماعی که در ادبیات منعکس شده باشد و در تحقیقات جامعه شناسی اعم از تاریخی و یا در زمانی، که سودمند باشد و مورد استفاده قرار بگیرد. مثلا عقاید و باورها و رسوم یا نوع حکومت و شیوه های کشور داری و یا امثال و حکم و... را می توان جزو اجتماعیات به حساب آورد. دیوانهای اشعار کهن ما نیز که غالباً پر از مدح و ستایش شاهان است با اینکه کارکرد اولیه خود را تقریباً از دست داده اند ولی منابع دست اولی برای این گونه بررسی ها هستند و این کارکرد ثانویه آنها خود ارزش مطالعات اینگونه منابع را می نماید چون شاعران با اینکه غالباً مادح بوده اند ولی نمی توان ادعا کرد یکی از این شعرا از

جامعه پیرامون خود تاثیر نپذیرفته است. این گونه پژوهش ها در ادبیات فارسی مهجور نیستند و میتوان از نمونه های آن به کتاب دکتر «سهیلا صارمی» در مورد عطار به نام «سیمای جامعه در آثار عطار» و کتاب سرکار خانم دکتر «مینو فطوره چی» با عنوان « سیمای جامعه در آثار سنایی» و پایان نامه های زیادی که با این عنوانها کار شده اند اشاره کرد.

پایان نامه حاضر با عنوان «بازتاب عناصر اجتماعی و فرهنگی» در حقیقت استخراج مظاهر و عناصر مادی و معنوی اجتماعی، اعم از مذهبی و آموزشی و تنظیم مطالب استخراجی از دیوان ظهیر الدین فاریابی از شعرای قرن ششم است. و این که تحولات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی از دیدگاه این شاعر چگونه بازتاب یافته است. برای بررسی بهتر سیر تاریخی نهاد های اجتماعی و شیوه حکومتی و انواع رسوم و عقاید و باورها و ... که مردم یک پدیده ناشناخته را چگونه توجیه می کردند و یا اینکه یک پدیده و یک رسم از کی وارد جامعه شده است یا اینکه از کی این رسم از بین رفته است و اصلا چه تاثیری بر آن داشته است.

سوالاتی تحقیق در این پایان نامه این بود که جامعه چه تاثیری بر دیوان ظهیر داشته است و کدام عامل اجتماعی نمود بیشتری در آن داشته است و این که آیا تحولات اجتماعی و سیاسی نمودی در دیوان دارند .

فرضیه این تحقیق این بود که بازتاب مسائل اجتماعی در دیوان ظهیر برای کسانی که در حوزه جامعه شناسی ادبیات تحقیق می کنند مفید است و این که مهم ترین مسائل و موضوعات اجتماعی که ممکن است در آن دوره باشد چیست؟ علاوه بر اینها شناسایی عوامل محیطی و اجتماعی زندگی شعرا به درک عمیق تر ما از یک دوره کمک شایانی می کند مثلاً می فهمیم که چرا در یک دوره مدح پادشاهان ننگ نبوده است.

ضرورت انجام این تحقیق هم در شناسایی بهتر زمانه زندگی ظهیر برای فهم بهتر اشعار او و اشارات دیوان اوست. و این که از گنجینه آثار ادبی خودمان برای شناخت گذشته خودمان استفاده کنیم. و هدف از این تحقیق آشنایی بیشتر پژوهشگران و محققان در زمینه اجتماع و فرهنگ با اوضاع یک دوره خاص و بخصوص ظهیر فاریابی.

روش انجام تحقیق

- ۱- شناسایی منابع مرتبط با کار و تهیه فهرست منابع و مآخذ.
- ۲- مطالعه در کارهای مشابه گذشته و منابع جامعه شناسی.
- ۳- مشخص کردن روش تحقیق.
- ۴- مطالعه دیوان و نکته برداری.
- ۵- دسته بندی مطالب مشابه.
- ۶- یافتن برخی معانی واژه های دشوار و برخی آداب و رسوم مخصوص از فرهنگ ها و منابع مرتبط.
- ۷- تنظیم نهایی ابواب و فصل ها.
- ۸- جمع بندی مطالب و نتیجه گیری.

علائم و نشانه ها

برخی از علائم و نشانه ها در این تحقیق به کار رفته اند که برای رعایت اختصار و کم حجم تر شدن

این پژوهش بوده است که به معرفی آن ها می پردازیم:

←: یعنی رجوع کنید به موردی در همین پایان نامه.

◀: در مواردی که یک مورد با دو عنوان آمده است یکی از آنها ذیل عنوان نخست با این علامت

مشخص شده است.

/: برای جدا کردن شماره صفحه دیوان از شماره سطر است. شماره سمت راست شماره صفحه است و

شماره سمت چپ خط شماره سطر است.

فصل اول

جامعه‌شناسی ادبیات

جامعه‌شناسی ادبیات چیست؟

برای تعریف کردن جامعه‌شناسی ادبیات و هنر ابتدا لازم است که نوع نگاه افراد جامعه و گروه خوانندگان از این حوزه را تغییر بدهیم زیرا مردم ممکن است از این حوزه از جامعه‌شناسی به علت ارتباطات بسیار زیادی که با هنر و ادبیات دارد و از سویی مردم هم ارتباط بیشتری با هنر و ادبیات دارند بنابر پیشینه ذهنی خود و همچنین سطوح متفاوت شناخت و درک اثر هنری، از این عنوان (جامعه‌شناسی ادبیات) برداشت متفاوتی داشته باشند. افراد به خاطر اینکه با هنر ارتباط مستقیم تری دارند تا جامعه‌شناسی و این که اصلا این رشته دوران طفولیت خود را سپری می‌کند و هنوز اوان پیدایی آن است و به همین دلیل کمتر شناخته شده است و مردم بیشتر از آن به عنوان موضوعی هنری نام می‌برند در نتیجه از این رشته انتظار هنرمندانه بودن را دارند در حالی که «باید توجه داشت که جامعه‌شناسی هنر یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی است که ارتباطش با هنر به همان شکلی است که با سایر حوزه‌های معرفت مثل علم، مذهب و اخلاق می‌باشد» (راو دراد، ۱۳۸۲: ۶)

جامعه‌شناسی ادبیات زیر شاخه رشته بزرگ‌تری به نام «جامعه‌شناسی هنر» است که در پی «درک ویژگی‌های جامعه و نقش آن در پیدایی سبک‌ها و موضوع‌های هنری در هر دوره، شناخت عوامل و نهادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مانند آن و چگونگی تأثیرگذاری آنها بر هنر، روند شکل‌گیری و

حرکت هنر در هر جامعه، و بالاخره کشف و یافتن ردّ پای عوامل اجتماعی در هنر و شناخت بهتری از جامعه معاصر آن می‌باشد.» (راوودراد، ۱۳۸۲: ۶)

شاید در نظری کلی این تعریف از جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، جامع و مانع به نظر برسد، اما چنین نیست و تعاریف تخصصی‌تری توسط نظریه‌پردازان مهم و مطرح این علم مطرح شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

در ابتدا برای تعریف تخصصی‌تری از جامعه‌شناسی ادبیات، می‌توان اینگونه گفت که این رشته نمایانگر این حقیقت است که ادبیات همانند سایر نهادهای مختلف اجتماعی همچون نهاد آموزشی و یا مهم‌تر از آن، خانواده و یا هر نهاد اجتماعی دیگر یک نهاد اجتماعی محسوب می‌شود، چرا که ریشه در زندگی اجتماعی بشر دارد. پس «می‌توان جامعه‌شناسی ادبیات را علم مطالعه و شناخت محتوای آثار ادبی و خاستگاه روانی و اجتماعی پدیدآورندگان آنها و نیز تأثیر پابرجایی که این آثار در اجتماع می‌گذارند، تعریف کرد.» (ستوده، ۱۳۷۸: ۵۶)

پس بیجا نیست اگر تاکید کنیم که این دانش هنوز در اوان پیدایی خود به سر می‌برد و نظام کلی خود را نیافته است و تعریف جامع و مانع از آن بسیار دشوار است و ممکن است که به تعدد تعاریف در این حوزه گرفتار شویم، چرا که هنوز روش‌مندی اصولی خود را پیدا نکرده است. به همین دلیل است که لوسین گلدمن در مورد آینده این رشته نو پا می‌گوید: «پیشرفت‌های به راستی بنیادی تنها روزی به دست خواهد آمد که جامعه‌شناسی ادبیات بدل به میدانی از پژوهش‌های همگانی شود و در شمار بسنده‌ای از دانشگاه‌های جهان دنبال شود.» (همان: ۵۵-۵۶)

اما نباید زیاد هم بدبین بود چرا که «در نقد ادبی جدید بررسی خاستگاه اجتماعی مصنف و تاثیراتی که عوامل اجتماعی در آثار او داشته است، حداقل به اندازه مطالعات روانشناختی درباره حالت ذهنی او (نویسنده) رواج یافته و این دو غالباً با یکدیگر همراه بوده است.» (دیچز، ۱۳۷۹: ۵۴۳) و همین عامل نشان

دهنده این نکته است که دیگر این رشته در محافل علمی و دانشگاهی دیگر جای خود را یافته است و مباحث پیرامون آن، رو به فزونی می‌رود. «اکنون دیگر زمینه‌های رشد مشخص شده، نظریه‌ها شکل گرفته، روش‌ها تدوین شده و تحقیقات سازمان پذیرفته‌اند، نتایج کارها به همین زودی می‌درخشد...» (اسکار پیت، ۱۳۸۶: ۳)

عده‌ای بین جامعه‌شناسی ادبی و جامعه‌شناسی ادبیات فرق نهاده‌اند و تعاریف فوق را به عنوان جامعه‌شناسی ادبی پذیرفته‌اند و نیز افزوده‌اند: «جامعه‌شناسی ادبی یکی از روش‌های علوم ادبیات است، یعنی روشی انتقالی که به متن (از واج‌شناسی تا معناشناسی) و به معنای آن توجه دارد.» (لنار، ۱۳۷۷: ۸۱)

و عده‌ای هم جامعه‌شناسی ادبیات را اینگونه تعریف می‌کنند: «مطالعه، تولید و توزیع و مصرف ادبیات در مقیاس جامعه است، همانگونه که جامعه‌شناسی صنعتی مطالعه این سه بخش کار صنعتی است.» (همان: ۵)

برخی نیز میان جامعه‌شناسی ادبیات و جامعه‌شناسی در ادبیات تفاوت قائل می‌شوند و معتقدند نباید این دو را به جای یکدیگر به کار برد، چرا که هر یک تعاریف مخصوص به خود را دارند. «جامعه‌شناسی ادبیات برای مطالعات کمی و آماری و جامعه‌شناسی در ادبیات برای مطالعات محتوایی به کار می‌رود.» (وحید، ۱۳۸۷: ۲۹) و معتقدند جامعه‌شناسی در ادبیات، «جست‌وجوی بازتاب و ویژگی‌های اجتماعی هر دوره تاریخی در آثار ادبی است که در آن دوره پدید آمده است. بدیهی است که برای توفیق در این کار، باید خالقان آثار به آنچه در پیرامونشان می‌گذرد، توجه کافی داشته باشند.» (همان: ۴۶)

این تعدد تعاریف، از طرفی ناشی از نظریه‌های مختلف و متنوع در این موضوع و از طرف دیگر، به دلیل نوپا بودن این علم است که هنوز اجماعی کلی درباره آن صورت نگرفته است. اما به نظر می‌رسد تمام این

تعاریف و جزئی‌نگری‌ها، خود، زیرمجموعه «جامعه‌شناسی ادبیات» به عنوان علمی واحد و تعریف شده است.

ولی با توجه به تعاریف فوق جامعه‌شناسی ادبیات را در گسترده‌ترین معنای آن میتوان به این مفهوم تعبیر کرد: «در آفرینش هنری یک فرد به تنهایی مورد نظر نیست بلکه اثر، بیان نوعی آگاهی جمعی است که هنرمند با شدتی بیش از اکثر افراد در تدوین آن شرکت می‌ورزد.» (گلدمن، ۱۳۷۷: ۶۴) و این نکته همان چیزی است که جامعه‌شناسی ادبیات را از همه انواع نقدهای دیگر چون نقد روانشناختی و زیبایی‌شناسی جدا می‌سازد چون که تعریف فوق بر شرکت آگاهی جمعی در تدوین اثر تاکید می‌کند و این آگاهی جمعی را می‌توان فرهنگ مشترک بین افراد هم دانست که شاکله اصلی یک اجتماع است. و فقط از نویسنده یا هنرمند به عنوان کسی که بیشترین فعالیت را در خلق اثر داشته است نام می‌برد. «البته قریحه شاعر و نویسنده و ذوق و تمایلات فردی و شخصی او قوی‌ترین عامل در ایجاد آثار ادبی محسوب می‌گردد اما در هر عصر شاعر و نویسنده با خوانندگان و خریداران خاصی سر و کار پیدا می‌کند و گاه اتفاق می‌افتد که برای ارضای پسندها و سلیقه‌های مردم ناچار شود ذوق و پسند خود را به کلی به کناری نهد و از تمایلات عامه پیروی کند.» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۴۲) شاید به نظر برسد که آگاهی جمعی در خلق اثر با این که سلیقه مردم در خلق اثر تاثیر داشته باشد کاملاً متفاوت باشد شاید از جنبه‌ای این گونه باشد ولی وقتی ذوق و پسند مردم یک جامعه منحط می‌شود و سقوط می‌کند آیا نویسنده و هنرمند به عنوان یک فرد از همان جامعه به تدریج دچار این انحطاط نخواهد شد؟ و یا بالعکس وقتی ذوق و سلیقه مردم به کمال می‌رسد و هر چیز دم دستی را به عنوان هنر تلقی نمی‌کنند هنرمند به عنوان یک فرد از این قضیه و حکم بر کنار می‌ماند؟

حال با تعاریف مختصری که از جامعه‌شناسی ادبیات ذکر شد، تلاش بر آن است که ارتباط میان ادبیات و جامعه را بررسی کنیم تا از این رهگذر، تا حدی به ارتباط میان این رویکرد میان رشته‌ای دست یابیم.

جامعه و ادبیات

رابطه بین جامعه و ادبیات امری تقریباً روشن به نظر می‌رسد. و در هر جامعه‌ای ادبیات خاص آن جامعه به وجود می‌آید و چون برخاسته از آن جامعه است روحیه و فرهنگ و احوال همان جامعه در آن منعکس شده خواهد شد. و قطعاً ادبیات فقط در یک زمینه اجتماعی به عنوان بخشی از فرهنگ یک جامعه و محیط اجتماعی خاص ظهور می‌کند و ادبیات و جامعه‌ای که ادبیات در آن ظهور می‌کند رابطه استوار و مستقیمی دارند. «حتی مبهم‌ترین تمثیل‌ها، خیالی‌ترین شبانیه‌ها، و قبیح‌ترین مضحکه‌ها درباره آن‌ها تحقیق شود، بیانگر جنبه‌هایی از دوره یا جامعه خاص است.» (ولک، ۱۳۷۳: ۱۱۳) و چون این اثر بر آمده از متن یک اجتماعی خاص است پس جنبه‌هایی از همان دوره را به ما خواهد نمود.

به تعبیری دیگر، مؤلف در هنگام تولید اثر خود، به دلیل قرار گرفتن در محیط اجتماعی خاص، از آن محیط تأثیر می‌پذیرد و بازتاب این تأثیر، در اثر مؤلف بازتاب می‌یابد. «منظور از محیط اجتماعی، زمینه اجتماعی و خود جامعه است با همه ابعاد گوناگونش... به بیان دیگر، محیط اجتماعی به کلیه شرایط، اوضاع، مقتضیات چارچوب اجتماعی که فرد یا گروه را در میان گرفته، می‌پرورد، اطلاق می‌شود. (ترابی، ۱۳۷۶: ۱۵)

تاریخچه ای از نظریه های جامعه شناسی

برای فهم بهتر نظریه های جامعه شناسی ادبیات در ابتدا باید آگاهی کلی از سیر نظریه های جامعه شناسی داشته باشیم. در این بخش کوشیده‌ام این سیر نظریه های جامعه شناسی ادبیات در غرب را به طور کوتاه معرفی کنم .

در آغاز قرن نوزدهم مادام «دو استال» کتابی با عنوان «ادبیات از منظر پیوندهایش با نهادهای اجتماعی» منتشر کرد. وسیعی او بر این بود که تاثیر دین و آداب و قوانین را بر ادبیات و بالعکس مشخص کند. ولی گویا «در زمینه ادعایی که نویسنده درباره تاثیر دین و آداب و قوانین بر ادبیات دارد چندان موفق و کارآمد نیست.» (عسگری حسنگلو، ۱۳۸۷: ۴۵)

پس از مادام دو استال «ایپولیت تن» ظهور می‌کند که برخی او را بنیانگذار علم جامعه شناسی ادبیات می‌دانند. نظریه مشهور تن بر پایه سه مفهوم نژاد، محیط و زمان استوار است. یعنی به خاطر این که هر پدیده اجتماعی تحت تاثیر این سه عامل قرار دارد و ادبیات نیز جزئی از جامعه محسوب می‌شود پس تحت تاثیر این سه عامل شکل می‌گیرد. ولی این نظریه وجود فرد را در خلق آثار ادبی یکسره به دست فراموشی می‌سپارد و چندان مهم نمی‌شمارد «باری اعتراضی که بر روش نقد اجتماعی علی‌الخصوص روش تن، وارد است همین نکته است که وجود فرد بکلی فراموش شده است در حالیکه سهم ابتکار فردی در آثار ادبی اگر از سهم عوامل اجتماعی بیشتر نباشد کمتر نیست» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۴۸)

پس از آن در قرن بیستم که دوره شکوفایی مارکسیسم است این نحله فکری به نوعی در نظریه جامعه شناسی ادبیات شرکت می‌جوید.

نگاه مارکسیست ها به ادبیات بیشتر بر روی جنبه ابزاری بودن ادبیات متمرکز است و ادبیات را به عنوان یکی از انواع سلاح متعدد طبقه کارگر می‌دانند. و بر نقش اثر ادبی در نمایش مبارزات طبقاتی و نشان دادن

طبقه کارگر به عنوان پیشگامان جامعه و مشخص کننده و برجسته ساز نقش نظام کارگری در مبارزه طبقاتی تاکید دارد. و در نهایت «در ادبیات به چشم پدیده ای که محصول مبارزات طبقاتی در داخل جوامع هست می نگرد.» (همان، ۴۸)

رویکرد دیگری که پس از آن بوجود می آید و شاخه مجزایی در این زمینه محسوب می شود جامعه شناسی تولید و توزیع و مصرف ادبی است. روبر اسکار پیت فرانسوی از برجسته ترین محققان این زمینه است در اینجا اثر ادبی بیشتر به عنوان کالایی اقتصادی مد نظر است زیرا «شاعران و نویسندگان در اعصار گذشته نیز مانند عصر حاضر مزدوران و پیشه وران بوده اند که ناچار می بایست از عواید آثار خود زندگی کنند.» (همان، ۴۳)

روبر اسکار پیت بر این عقیده است که تولید و عرضه اثر ادبی «یک شبکه مبادله است که از طریق یک دستگاه انتقال بسیار پیچیده، که در عین حال به هنر و تکنولوژی و بازرگانی ربط پیدا می کند، افرادی کاملاً معین (اگر نه همیشه نامدار و مشهور) را به جمعی کمابیش گمنام (اما محدود) پیوند می دهد.» (روبر اسکار پیت، ۱۳۸۶: ۹)

«هانری زالامانسکی» از دیگر نظریه پردازانی است که به بررسی متفاوتی در این زمینه دست می زند رویکرد او جامعه شناسی محتوای اثر ادبی است. و در پی آن است تا با صورت برداری و رده بندی آثار ادبی مصالحی برای بررسی جامعه شناختی ادبیات بیابد. به نظر او هر نویسنده به پرسش های زمانه خود پاسخ می دهد و اینگونه بیان می دارد که: «ما با بررسی محتوای آثار معاصر، در می یابیم که مسائل دوران ما چگونه طرح شده و چه راه حلی یافته اند. مجموعه این پاسخ ها که هر نویسنده ای در مقام یک فرد مطرح می کند، ما را با الگوهای عقیدتی ای آشنا می سازد که برای تاثیر گذاری بر آگاهی خوانندگان، به آنان عرضه شده است.» (زالامانسکی، ۱۳۷۷: ۲۷۳)

در این نوع جامعه شناسی ادبیات اثر ادبی را معمولا به عنوان سند اجتماعی مورد بررسی قرار می دهند و به همین دلیل از وجه زیبایی شناسی آن غافل می شوند.

«اما آنچه امروزه با عنوان جامعه شناسی در ادبیات یا جامعه شناسی ادبی شناخته می شود، علمی است که جورج لوکاچ (۱۸۸۵-۱۹۷۱)، فیلسوف و منتقد مجارستانی در اوایل قرن بیستم آن را بنیان گذاشت و پس از او لوسین گلدمن (۱۹۱۳-۱۹۷۰) دانشمند رومانیایی ساکن فرانسه آن را بسط و گسترش داد.» (عسگری حسنکلو، ۱۳۸۷: ۵۲)

لوکاچ در سال ۱۹۱۰ مجموعه مقالاتی در مورد شاعران و نویسندگان بزرگ اروپا با عنوان «جان و صورت» منتشر کرد و در سال ۱۹۲۳ کتاب «تاریخ و آگاهی طبقاتی» را انتشار داد که در آن ساختارهای ذهنی ادبی را به ساختارهای اجتماعی پیوند می دهد.

لوکاچ را همچنین اولین منتقد مهم مارکسیسم نیز برشمرده اند. او همچنین ادبیات بورژوازی از هر نوع و دستی که باشد را مردود می شمرد و بر ادبیات رئالیستی که نشان دهنده واقعیت جامعه است صحه می گذارد.

لوسین گلدمن هم پیرو نظریه های لوکاچ بود و آن را بسط و گسترش داد. گلدمن پی فرضیه ای بوده است تا بین رمان و جنبه های مهم زندگی آدمی پیوند معنا داری برقرار کند. او همچنین به آگاهی جمعی در تدوین یک اثر عقیده دارد یعنی در تدوین یک اثر همه افراد جامعه به نوعی سهیم هستند و فقط شدت مشارکت نویسنده را در خلق اثر از دیگران بیشتر است.

«میخائیل باختین» (۱۸۹۵-۱۹۷۵) نیز یکی از مهم ترین نظریه پردازان این حوزه می باشد و او را مهم ترین چهره گذار از فرمالیسم به ساختار گرایی معرفی می کنند.

باختین معتقد است که نباید ادبیات را دور از مجموعه فرهنگی زمانه تولید آن مورد بررسی قرار دهیم ضمن این که معتقد است که حتما باید در بررسی اثر ادبی به سر چشمه های پیدایش آن نیز توجه کافی

داشته باشیم چون که اعتقاد او بر این مبنا استوار است که اگر به واسطه های پیدایش یک اثر ادبی توجه نشود راه دسترسی به ژرفای معنای آن را نخواهیم یافت. و از همین رهگذر منطق مکالمه و چند آوایی در رمان را مطرح می کند.

مسیر های پژوهش در جامعه شناسی ادبیات

- ۱- مجموعه ای از بررسی های جامعه شناختی درباره چاپ، پخش و بویژه دریافت یا پذیرش آثار ادبی (جامعه شناسی ادبیات، ۶۵) نماینده این گروه در فرانسه روبر اسکار پیت است.
- ۲- بررسی برخی از جنبه های جزیی متون ادبی در مقام نشانه ها و فرا نمودهای آگاهی جمعی (همان) لئو لوونتال یکی از برجسته ترین نماینده این گروه تحقیقاتی است.
- ۳- جامعه شناسی آفرینش ادبی: یعنی آثاری که آفرینش ادبی را تا حدود زیادی آفرینش جمعی میدانند. (همان، ۶۶)

فصل دوم

زندگی ظهیرالدین فاریابی

زندگی ظهیر الدین فاریابی

«ظهیر الدین طاهر بن محمد فاریابی شاعر استاد و سخن سرای بلیغ پایان قرن ششم و یکی از جمله بزرگان قصیده سرایان و غزل گوینان است». (صفا، ۷۵۰: ۱۳۳۹) عوفی در لباب الالباب او را ذیل باب یازدهم، جزو شعرای آل سلجوق بعد از عهد معزی و سنجری در ذکر شعرای خراسان می آورد و در مورد مولد او می نویسد: «افضل الزمان و اکمل انسان آسمان مجاهد و جهان مآثر اگر چه مولد او فاریاب بود اما میمنه و میسره سپاه بلاغت او قلب جمله فصحاء عجم می شکست» (عوفی، ۱۳۶۱: ۲۹۸) البته خود ظهیر طی قطعه ای به این موضوع اشاره دارد:

خسرو! ابر رحمت تو کجاست	تا ز فیضش به فتح باب رسم
سایه ای بر سرم فکن به کرم	تا ز رفعت به آفتاب رسم
چون من از فاریاب مسکن خویش	سوی این مرتفع جناب رسم
چشم دارم که با بضاعت فضل	از سخای تو در نصاب رسم

(ظهیر فاریابی، ۱۳۸۱: ۱/۲۱۷-۴)